

Don't wake up the neighbors!	همسایه ها رو بیدار نکن
I want to travel to another country. Can you buy the ticket for me?	من میخوام به یه کشور دیگه مسافرت کنم میتونی واسم بلیط بخری؟
You can put the tickets on my credit card.	میتونی بلیط ها رو توی کارت اعتباریم بذاری.
Can you get me a cup of coffee with milk? We don't have any milk.	میتونی یه فنجان قهوه با شیر بهم بدی؟ ما هیچ شیر نداریم
Then can you get me a cup of tea? Can you get me a cup of tea then. We don't have tea either.	پس میتونی یه فنجان چای بهم بدی؟ پس یه فنجان چای بهم بده چای هم نداریم
I'll ask the neighbors for some milk. There's a grocery store just around the corner.	از همسایه ها طلب یه مقدار شیر میکنم یه خواربار فروشی اطراف نبش هست
Where's the car? It's in the garage.	ماشین کجاست؟ تو گاراژه
I think one of the neighbors has borrowed the car.	فکر میکنم یکی از همسایه ها ماشین رو قرض گرفته
Most of our neighbors aren't home. Most of our neighbors travel a lot.	اکثر همسایه هامون خونه نیستن اکثر همسایه هامون خیلی مسافرت میرن
They spend a lot of time and money on traveling.	اونها پول و وقت زیادی در مسافرت صرف میکنن
I don't like to travel a lot. I don't like traveling a lot.	من از مسافرت رفتن زیاد خوشم نمیاد من از مسافرت رفتن زیاد خوشم نمیاد
I have to fix my car before we all go on a trip.	باید ماشینم رو تعمیر کنم قبل از اینکه هممون مسافرت بریم
I don't have a lot of money right now. I have a lot of bills to pay.	من در حال حاضر پول زیادی ندارم من یه عالمه قبض و اسه پرداخت دارم
I'd rather spend my money on a new house. I'd like to get a car, too.	من ترجیح میدم پولم رو صرف خونه جدید کنم من همچنین میخوام یه ماشین هم بگیرم
Insurance is expensive for new cars	بیمه واسه ماشینهای جدید گرونه
I hope you have a lot of money.	امیدوارم پول زیادی داشته باشی
I've been working a lot. And I think I should buy the car for myself.	من خیلی کار کردم (کرده ام) و فکر میکنم بایستی واسه خودم ماشین بخرم
I think I should buy myself a car.	فکر میکنم بایستی واسه خودم ماشین بخرم
It's going to be at least five hundred dollars per month.	میشه حداقل ماهی پانصد دلار.

I have more money than that.	من بیشتر از این پول دارم
•	
Yes, but you have to pay for other things, too. Like what?	ولی تو باید واسه چیزهای دیگه هم پول بدی مثلاً چی؟
You have to pay for your apartment. And you have to pay for other things like food.	تو باید واسه آپارتمان پول بدی و باید واسه چیزهای دیگه پول بدی مثل غذا
I don't eat a lot. I don't spend most of my money on food.	من خیلی نمیخورم من اکثر پولم رو صرف غذا نمیکنم
Food's important. You should eat enough food every day.	غذا مهمه تو بایستی هر روز به اندازه کافی غذا بخوری
If you don't, then you'll feel tired.	اگه این کار رو نکنی احساس خستگی میکنی

مکالمه

شادی، این روز نودمه و من الان خوشحالم از اینکه میتونم خیلی خوب انگلیسی صحبت کنم.
A: Shadi, this is day ninety, and I'm happy I can speak English very well now.

خیلی واست خوشحالم، من درسها رو تو سی روز انجام دادم و من هم درس نودم.
ولی من نمیتونم خیلی خوب صحبت کنم. تو بهتر از من صحبت میکنی.

B: I'm very happy for you. I've been doing the lessons for thirty days and I'm on lesson ninety, too.
But I can't speak very well. You speak much better than I do.

تو درس نودمی بعد از فقط سی روز؟ این درست نیست.
برای همین که نمیتونی خیلی خوب انگلیسی صحبت کنی.

نمیدونستی که باید فقط روزی یه درس انجام بدی و نه بیشتر از یک درس در روز؟

A: You're on lesson ninety after only thirty days? That's not right.

That's why you can't speak English very well.

Didn't you know that you should only do one lesson a day and not more than one lesson in one day?

من این و نمیدونستم. درس ها آسون بود و وقت زیادی داشتم و سه درس رو در یک روز انجام دادم.

B: I didn't know that. The lessons were easy and I had a lot of time, and I did three lessons in one day.

ولی تو باید فقط یک درس در روز انجام بدی. تو نباید فقط به درس ها گوش بدی. تو باید گوش بدی و تکرار کنی.

A: But you must do only one lesson a day. You shouldn't just listen to the lessons. You should listen and repeat.

اوه، حالا باید چکار کنم؟

B: Oh, what should I do now?

بایستی برگردی به درس اول و درسها رو دوباره انجام بدی. اما این بار باید درست انجام بدی.

A: You should go back to lesson one, and do the lessons again. But this time, you should do it right.

پس اگه وقت زیادی داشتتم باید چکار کنم؟

B: What should I do then if I have a lot of time?

تو باید فقط همون روزی یه درس رو انجام بدی.

A: You should still do one lesson per day only.

ولی من که بهت گفته بودم درسها آسون بودن.

من فکر کردم لازم نیست تکرارشون کنم. و به جای اون چیزی که بهم گفته بودن انجام بدم.

من سه درس رو در یک روز انجام دادم و درسها رو تو سی روز تمومشون کردم.

فکر کردم فکر عالی باشه، چون فکر کردم میتونم زودتر و سریع تر یاد بگیرم صحبت کنم.

B: But I already told you that the lessons were easy.

I thought it didn't need to repeat them, and instead of doing what they told me to do.

I did three lessons in a day, and I finished ninety lessons in thirty days.

I thought that was a great idea, because I thought I could learn speak much faster and sooner.

ببین! اینو یادت باشه! یادگیری چگونه صحبت کردن با یادگیری چگونه نوشتن یا خواندن فرق میکنه.

A: Look! remember this! Learning how to speak is different from learning how to write or read English.

فکر میکنی بعد از سه ماه من بتونم مثل تو خوب صحبت کنم؟

B: Do you think that I could speak as well as you do after about three months?

من الان اینطور فکر نمیکنم. من اینو نمیدونم. نود روز دیگه میبینمت و امیدوارم اون موقع بهتر انجام بدی.

A: I don't just think so. I know so. I'll see you in ninety days, and I hope you'll do better then.

اوکی. همون کاری رو که گفتی انجام میدم.

B: OK. I'll do just like you told me to.

عالیه. نود روز دیگه میبینمت.

A: That's great! See you in ninety days.

مکالمه

آذر یادت میاد سه ماه پیش، منظورم نود روز پیش، وقتی من اصلا نمیتونستم انگلیسی صحبت کنم ، فقط یه چند تا کلمه بلد بودم مثل: سلام ، بله ، نه و اوکی .

A: Azar, do you remember about three months ago , I mean just ninety days ago, when I couldn't speak English at all , I only knew a few words like: Hello , Yes , No and Okay.

بله البته که یادم میاد، تو میخواستی که شاید بتونی توی یه شرکت بزرگ یه کار بهتر پیدا کنی، یا درباره رفتن به یه کشور دیگه صحبت میکردی ، مثل آمریکا ، انگلیس ، دبی ، سوئد یا کانادا.

B: Yes, of course I remember , you wanted to maybe get a better job at a big company , or you were talking about going to another country like the US , England, Dubai, Sweden, or Canada.

الان من میتونم دنبال یه کار بهتر بگردم ، من میتونم به همه اون کشورها برم که سالها بود میخواستم ببینمشون.

A: Now I can look for a better job, I can travel to all the countries that I've been wanting to see for years.

شاید بتونیم با هم بریم . من مسافرت کردن به کشورهای مختلف، صحبت کردن با مردم مختلف و خوردن غذاهای مختلف رو دوست دارم.

B: Maybe we can go together. I would like to go traveling to different countries, talking to different people and eating different foods.

مکالمه

فقط میخواستم بهت بگم که دارم یه چند روزی میرم انگلیس مسافرت.

A: I just wanted to tell you than I'm taking a trip to England for a few days.

عالیه. مطمئنم اونجا وقت خوبی خواهی داشت. (بهت خوش میگذره) ولی من فکر کردم قرار بود با هم بریم.

B: That's great. I'm sure you'll have a good time there, but I thought we were going together.

خب، این اولین سفرمه به یه کشور مختلف، ترجیح میدم تنها برم، میخوام ببینم میتونم اونجا بمونم بدون اینکه از کسی کمک بگیرم.

A: Well, It's my first trip to a different country, I would rather go alone, I want to see if I can stay there without getting help from anybody.

بعد از این درسها الان انگلیسیت خیلی خوب شده، چقدر طول کشید تا یاد گرفتی اینجوری صحبت کنی؟

B: Your English is much better now after these lessons, how long did it take you to learn to speak like this?

واسه من سه ماه طول کشید، ولی کلیدش تکرار کردن همه چیزه، این مهمترین چیزه.

A: It took me only three months, but the key is to repeat everything that's the most important thing.

این خیلی جالبه. میخوام مادرم و پدرم به این درس ها گوش بدن.

B: That's very interesting. I want my mother and my father to listen to these lessons.

اوکی، ولی یادت باشه فقط گوش دادن کافی نیست، باید همه چیز رو تکرار کنی.
من به عمو دارم که اون هم درس ها رو خریده، ولی اون فقط بهشون گوش داد و تکرارشون نکرد.
الان بعد از چند ماه نمیتونه مثل من خوب صحبت کنه.

A: Okay but remember, just listening isn't enough you have to repeat everything.

I have an uncle, who bought the lessons too, but he just listened to them and he didn't repeat.

Now after a few months he can't speak as well as I can.

حالا میخواد چکار کنه؟

B: What is he going to do now?

خب، باید برگرده به درس اول و دوباره شروع کنه، ولی اگه میخواد خوب صحبت کنه این بار باید تکرار کنه.

A: well, he has to go back to the first lesson and start again, but this time he has to repeat if he wants to speak well.

مکالمه

آیا از سفر برگشتی؟

A: Are you back from your trip?

بله، یه چند روزی رفتم انگلیس و الانم برگشتم.

B: yes, I went to England for a few days, and now I'm back.

سفر چطور بود؟

A: How was your trip?

عالی بود. چیز از همه مهمتر این بود که میتونستم خیلی خوب انگلیسی صحبت کنم.
من هر چی رو که مردم میگفتن میفهمیدم و اونها هم هر چی من میگفتم رو میفهمیدن.

B: It was great. the most important thing was that I could speak English very well.

I could understand what people said and they could understand everything I said.

بهبه گفته بودم این درسها خیلی بهت کمک میکنن، واسه همین بهت توصیهشون کردم.

الان تو میتونی انگلیسی صحبت کنی و اگر یه چند تا کلمه رو نفهمیدی، میتونی از کسی سوال کنی که معنیشون چیه.

A: I told you these lessons would really help you, that's why I recommended them to you.

Now you can speak English and if you don't understand a few words you can just ask somebody what they mean.

من دوست دارم توی انگلیسی بهتر بشم، فکر میکنی باید چکار کنم؟

B: I'd really like to be better in English, what do you think I should do?

خب، میتونی فیلم نگاه کنی، این همیشه کمک میکنه.

تو میتونی خیلی تلویزیون نگاه کنی و وقتی توی ماشین هستی به رادیو گوش بدی.

ولی مهمترین چیز مکالمه هست. باید شروع به مکالمه کنی با هر کسی که انگلیسی صحبت میکنه.

A: Well, you can watch movies, that always helps.

You can watch a lot of TV and listen to the radio when you're in the car.

But the most important thing is conversation. You have to start a conversation with anybody that speaks English.

مکالمه

سلام، میتونم کمکتون کنم؟

A: Hello, can I help you?

بله، این کت رو تازه چند روز پیش خریدم. و دوست دارم برش گردونم.

B: Yes, I just bought this jacket a few days ago. And I would like to return it.

متاسفم، ولی نمیتونی این کت رو برش گردونی.

A: I'm sorry, but you can't return This jacket.

خب، میتونم حد اقل با یه سایز دیگه عوضش کنم؟

B: Well, Can I at least exchange it for a different size?

ما سایز دیگه ای نداریم. ولی میتونی با یه رنگ دیگه عوضش کنی.

A: We don't have any other sizes. But you can exchange it for a different color.

اوکی، خوبه. بذار مشکلی یا آبی این کت رو بگیرم.

B: Okay, That's fine. Let me get this jacket in black or blue.

بذار ببینم داریم. متاسفم، ما فقط سفیدشو داریم.

A: Let me see if we have any. I'm sorry, we only have it in white.

پس من این کت رو نمیخوام، پول زیادی براش دادم، و میخوام یه چیزی که دوست دارم داشته باشم.

B: Then I don't want this jacket, I paid a lot of money for it, and I want to have something that I like.

میفهمم آقا، ولی نمیتونم هیچ کاری بکنم. متاسفم.

A: I understand sir, but I can't do anything. I'm sorry.

من این کت رو پس میدم و جواب نه هم قبول نمیکنم.

لطفاً بذار با مدیریت صحبت کنم.

B: I'm going to return this jacket and I'm not taking no for an answer.

Let me speak to your manager please.

اوکی، همین جا منتظر باش لطفاً.

A: Ok, wait here please.

چطور میتونم کمکتون کنم آقا؟

C: How can I help you sir?

خب، من تازه این کت رو خریدم و پول زیادی براش دادم.

از رنگش خوشم نمیاد و سایزش هم خیلی واسم کوچیکه. دوست دارم پشیش بدم یا با یکی دیگه عوضش کنم.

B: Well, I just bought this jacket and I paid a lot of money for it.

I don't like the color and the size is too small for me. I'd like to return it or exchange it with a different one.

بسیار خب آقا، میتونم واسه اون کمکتون کنم. چیزی میبینی که دوست داشته باشی؟

C: All right sir, I can help you with that. Do you see anything else you would like?

راستش نه، ترجیح میدم کت رو پس بدم و پولمو بگیرم.

B: Not really, I'd rather return the jacket and get my money back.

خب آقا، نمیتونم این کار رو بکنم ولی خوشحالم میشم با یه چیز دیگه که دوست داری عوضش کنی.

C: Well sir, I can't do that but I would be happy to exchange it for anything else that you like.

اوکی، پس من با این پیرهن عوضش میکنم.

B: Ok, Then I'll exchange it for the shirt.

بسیار خوب آقا.

C: Very good sir.

خیلی متشکرم. روز خوبی داشته باشی.

B: Thanks a lot. Have a great day.

مکالمه

چطور میتونم کمکتون کنم آقا؟

A: How can I help you sir?

من ساعت دو وقت ملاقات دارم، و میخوام دکتر رو ببینم.

B: I have an appointment at two o'clock, and I want to see the doctor.

کی وقت ملاقات گرفتید؟

A: When did you make this appointment?

حدود سه هفته پیش وقت گرفتم، یک ماه سر درد داشتم ولی دیروز تب هم داشتم.

سرما خوردم. میتونم وقتی احساس مریضی میکنم مقداری دارو مصرف کنم؟

B: I made it about three weeks ago, I've had a headache for a month, but yesterday I had a fever too.

I have a cold. Can I take some medicine when I feel sick?

توصیه نمیکنم چیزی رو که میخوای مصرف کنی. فکر کنم دکتر باید بگه چی مصرف کنی.

اگه میخوای میتونی به دکتر بگی و اون میتونه واست یه نسخه بنویسه.

A: Well, I don't recommend that you take what you want. I think the doctor should tell you what to take.

If you want you can tell the doctor and he can write you a prescription.

عالی میشه. خیلی متشکرم.

B: That would be great. Thanks a lot.

تو این اتاق منتظر باش، دکتر تا چند دقیقه دیگه پیش خواهد بود.

A: Wait in this room, the doctor will be with you in a few minutes.

مکالمه

امید، فکر کردم میخواستی یه خونه تازه بخری، چرا هنوز تو خونه قبلیت هستی؟
A: Omid, I thought you wanted to buy a new house, why are still in your old house?

خب، من دیگه هیچ کاری ندارم. ما پول زیادی تو حساب پس اندازمون نداریم،
و نمیتونم وام بگیرم، چون کاری ندارم.

B: Well, I don't have a job any more. We don't have a lot of money in our savings account,
and I can't get a loan, because I don't have a job.

خب، مطمئنم میتونی یه وام بگیری. همیشه میتونی وام بگیری ولی باید بهره زیادی بدی.
فکر کردم مقداری پول از ایران داشتی.

A: Well, I'm sure you could get a loan. You can always get a loan but you'll be paying a lot of interest.
I thought you had some money from Iran.

دارم، ولی باید با دلار آمریکایی عوضشون کنم و نرخ تبدیل رو نمیدونم.
B: I do, but I have to exchange them for American dollars and I don't know the exchange rate.

آسونه، فقط از یکی تو بانک بپرس. ولی فکر نمیکنم تو بانک پول ایرانی رو با دلار آمریکایی عوض کنن.
A: That's easy, you just ask somebody at the bank. but I don't think they exchange American dollars
for Iranian money at the bank.

چرا که نه؟
B: Why not?

نمیدونم، ولی این سوال خوبیه. چه نوع خونه ای میخوای بخری؟
A: I don't know, but that's a good question. What kind of a house do you want to buy?

یه خونه میخوایم با حداقل سه تا اتاق خواب، یه اتاق نشیمن و یک دفتر.
B: We want a house with at least three bedrooms, a big living room and an office.

این باید واسه پیدا کردن آسون باشه، چرا دفتر میخوای؟
A: That should be easy to find, why do you need an office?

چون نقشه دارم که تو خونه کار کنم.
B: Because I'm planning to work from home.

جالیه، من میخوام از خونه هم کار کنم. کارم خیلی از خونه دوره، و باید پول زیادی بابت قسط ماشین، بیمه ماشین و بنزین بدم، عالی میشه اگه میشد از خونه کار کرد. تو چه نوع کاری رو از خونه انجام میدی؟

A: That's interesting, I want to work from home too. My job is very far from home, and I have to pay a lot of money for my car payment, My car insurance and gas.

it would be great if could work from home. What kind of work do you do from home?

الان نمیتونم بهت بگم، ولی اگه بخوای میتونم یه شماره بهت بدم بهش زنگ بزنی و اونها همه چیز و تلفنی بهت میگن.

B: I can't tell you right now, but if you want I can give you a number to call and they'll tell you everything on the phone.

اوکی، خیلی متشکرم. آیا هنوز قصد داری آخر هفته بری ونکور؟

A: Okay, Thanks a lot. Are you still going to Vancouver for the weekend?

مطمئن نیستم، در حال حاضر بلیط ها خیلی گرونن. ولی من واقعا میخوام دوستم رو ببینم. یک ساله که ندیدمش. ما تو ایران همسایه بودیم.

B: I'm not sure, Tickets are very expensive right now. But I really want to see my friend. I haven't seen him for a year. We used to be neighbors in Iran.

خب، امیدوارم یه روزی همه ما همراه خانوادمون و فامیلامون ایران زندگی کنیم.

A: Well, I hope one day we all live in Iran with our families and relatives.

مکالمه

جری ، میتونی لطفاً یه لیوان آب بهم بدی؟

A: Jerry, can you get me a glass of water please?

آب تو آشپزخونه ست، به خودت کمک کن (یعنی خودت برو بخور)

B: water's in the kitchen, help yourself.

ولی ایده ای ندارم که لیوان ها رو کجا گذاشتی. من فقط یه لیوان لازم دارم.

A: But I have no idea where you put the glasses. I just need one glass.

فقط اطراف رو نگاه کن، پیدااش میکنی.

B: Just look around , you'll find it.

اوکی، الان میتونیم بریم کافی شاپ؟

A: Okay, now can we go to coffee shop?

بریم، من حاضرم.

B: let's go, I'm ready.

کلیدها رو همراهت داری؟

A: do you have your keys?

بله دارم. همه لامپ ها، تلویزیون و رادیو رو خاموش کن ، و پیغام گیر رو روشن کن و بریم.

B: yes I do. Turn off all the lights, the TV and the radio, and turn on the answering machine and let's go.

ماشینت کجاست؟

A: where's your car?

تو گاراژه.

B: It's in the garage.

ولی ماشینت معمولاً بیرون پشت آپارتمان.

A: But your car's usually outside behind the apartment.

میدونم، ولی بارون میومد و گذاشتمش توی گاراژه.

B: I know, but it was raining, and I put in the garage.

میدونی کجا داریم میریم؟

A: Do you know where we're going?

به کافی شاپ، درسته؟

B: To the coffee shop, right?

نه، تصمیمم رو عوض کردم. بریم سینما به جاش.

A: No, I changed my mind. Let's go to the movies instead.

من صبح دوست ندارم بریم سینما، بذار شب بریم.

B: I don't like to go to the movies in the morning, let's go at night.

اوکی، پس میتونیم بریم باغ وحش. باید جالب باشه.

A: Okay, then we can go to the zoo. It should be interesting.

باغ وحش دو ساعت از اینجا فاصله داره. مطمئن میخوای بری اونجا؟

B: The zoo is two hours from here. Are you sure you wanna go there?

کار دیگه ای نداریم انجام بدیم.

A: we don't have anything else to do.

میتونیم بریم پاساژ.

B: we can go to the mall.

ولی ما همیشه میتونیم بریم پاساژ. از رفتن به پاساژ خسته شدم، و ما هرگز هیچی نمیخریم، فقط نگاه میکنیم.

A: But we go to the mall all the time. I'm tired of going to the mall, and we never buy anything, we just look.

میدونم، و هر چیزی که میخریم روز بعدش یا باید پسش بدیم یا عوضش کنیم. این بار بریم یه جای مختلف ببینیم.

B: I know, and everything we buy we have to return it or exchange it the next day. Let's see something different this time.

مثلاً چی؟

A: Like what?

رفتن به موزه.

B: Like going to the museum.

یه چند سالیه که موزه نرفتم، اوکی بزن بریم. فقط یادم نمیاد چطور بریم اونجا.

A: I haven't been to museum for a few years, Okay let's go. I just don't remember how to get there.

نگران نباش، مراقبش خواهیم بود. من اینجا یه نقشه داریم.

B: Don't worry, I'll take care of that. I have a map right here.

بهب میگه که موزه کجاست؟

A: Does it tell you where the museum is?

مطمئناً بهت میگه. به نشون میده همه چیز کجاست. یه چند تا موزه هست که میتونیم بریم.

B: It sure does. It shows you where everything is. There are few museum we can go to.

من اونای اطراف اینجا رو رفتم. بذار بریم یکی تو یه شهر دیگه.

A: I've been to the ones around here. Let's go to the one in another city.

ولی من فکر کردم نمیخواهیم زیاد از اینجا دور بشیم.

B: But I thought we didn't wanna to go too far from here.

چون نمیخواستیم بریم باغ وحش، ولی مشکلی ندارم که بریم موزه آگه دور باشه.

A: That's because we didn't want to go to the zoo, but I wouldn't mind to go to the museum if it is far.

اوکی، پس همه چیز رو خاموش کردی؟

B: Okay, then did you turn everything off?

بله خاموش کردم، و پیغام گیر رو روشن کردم.

A: Yes I did, and I turned the answering machine on.

خوبه، چون منتظر یه تلفن از خواهرم و برادرم هستم. اونها برنامه دارن آخر هفته آینده بیان اینجا.

B: Good, Because I'm waiting for a call from my brother and sister. They're planning to come here next weekend.

من فکر کردم عموت (داییت) آخر هفته آینده میخواد بیاد اینجا.

A: I thought your uncle was coming here next weekend.

بله، خب برنامه ها عوض شدن

B: Yes, well the plans have changed.

فهمیدم.

A: I see.

تنها چیز اینه که اونها واقعا دوست دارن دیر از خواب بیدار بشن، و اکثر روز رو از دست میدن.
میتونم ماشین تو رو ببرم؟ مال من خیلی خوب کار نمیکنه.

B: The only thing is that they like to wake up really late, and they gonna miss most of the day.

Can we take your car? Mine isn't working very well.

اون چه مشکلی داره؟

A: What's wrong with it?

نمیدونم، گاهی اوقات یه لامپ قرمز روشن میشه و بعدش ماشین خاموش میشه.

B: I don't know, sometimes a red light turns on and then the car turns off.

این خوب نیست، باید تعمیرش کنی

A: That's not good, you should fix it.

کردم، درستش کردم. فکر کردم اونها مراقب همه چیز بودن، ولی اونها این کار رو نکردن، و الان هیچ پولی ندارم. یه عالمه
قبض واسه پرداخت دارم.

B: I did, I fixed it. I thought they took care of everything, but they didn't, and now I don't have any money. I have a lot of bills to pay.

میدونم منظورت چیه، مثل این میمونه که تو هیچ وقت پول کافی نداری. بذار ماشین منو برداریم.
A: I know you mean, It's like you never have enough money. Let's take my car.

من پول بنزین میدم.
B: I'll pay for the gas.

نگران اون نباش، من مراقب همه چیز خواهم بود. میتونیم از اتوبان بریم؟
A: Don't worry about it, I'll take care of everything. Can we take the highway?

ما میتونیم، ولی نمیدونم اگر سریعتر از رفتن از خیابون خواهد بود. در حال حاضر اتوبان ها خیلی شلوغ هستن (ترافیک دارند)
B: We can, but I don't know if would be any faster than taking the streets. There is a lot of traffic on the highways right now.

ولی اتوبان ها همیشه سریعترن، بیا از اتوبان بریم لطفاً.
A: But highways are always faster, let's just take the highway please.

اوکی، میتونی یه خورده سریعتر برونی لطفاً؟ موزه زود بسته میشه.
B: Okay, can you drive a little faster please? The museum is going to close soon.

همین الانشم سریعم، نمیتونم سریعتر برم. میتونی اون علامت رو از اینجا ببینی؟
A: I'm driving fast already, I can't drive any faster. Can you see that sign from here?

میبینمش، ولی نمیتونم بخونمش خیلی دوره.
B: I can see it, but I can't read it, it's too far.

امیدوارم باندهی باشه، چونکه اون راه خروجی ماست.
A: I hope it's bundy, because that's our exit.

اون باندهی، از اون سمت برو، از اون خروجی برو.
B: It is bundy, take it, take the exit.

از اینجا میریم (اینم از این)، سینما اونجاست. میبینیش؟
A: Here we go, there is the museum. Can you see it?

بله، میتونم ببینمش. خوشحالم که به موقع اومدم اینجا.
B: Yes, I can see it. I'm happy we're here on time.

مکالمه

سلام آلون، چطوری؟

A: Hi Alvin, how are you?

خوبم مرسی، تو چطوری؟

B: I'm fine thanks, and you?

بد نیستم خانمت چطوره؟

A: Not bad. How's your wife?

خوبه، مرسی. میبینم انگلیسیت خیلی بهتره الان.

B: she's doing well, thanks. I see your English is much better now.

مرسی، یادمه چند ماه پیش تو هم نمیتونستی انگلیسی خیلی خوب صحبت کنی.

A: Thanks, I remember a few months ago you couldn't speak English very well either.

خب، الان میفهممت. من چند تا درس انگلیسی انجام میدادم. الان میتونم خیلی بهتر انگلیسی رو صحبت کنم و بفهمم.

B: Well, I understand you now. I've been doing some English lessons. Now I can speak and understand English a lot better.

خب، عالی. ولی امیدوارم ایتو بفهمی که هیچ کسی همه کلمات انگلیسی رو بلد نیست.

فکر کنم این درسها خیلی بهت کمک کردن، ولی هنوز باید انگلیسی بخونی (مطالعه کنی).

A: Well, that's great. But I hope you understand that nobody knows all the English words.

I think these lessons have helped you a lot, but you still have to study English.

چطور؟

B: How?

خب، اگه تو میتونی انگلیسی بخونی، چیز خوب اینه که کتابهای آسون بخونی.

اگه ترجیح میدی تماشای تلویزیون یا فیلم کنی اینم عالی. ولی یادت باشه هرگز به اندازه کافی انگلیسی یاد نمیگیری.

A: Well, if you can read English a good thing would be to read easy books.

If you'd rather watch TV or a movie then that's great too. But remember that you can never learn enough English.

چه نوع کتابهایی باید بخونم؟

B: What kind of books should I read?

مهم نیست، هر چیزی که برات جالب باشه، اینکه انگلیسی باشه و خیلی سخت نباشه.

A: It doesn't matter, anything that's interesting to you, as long as it is English and it's not very difficult.

فکر میکنم درک خوبی از چگونگی ترکیب کردن کلمات با هم رو دارم ، ولی مطمئنم هنوز خیلی کلمات رو نمیدونم.

B: I think I have a good understanding of how to put words together, but I'm sure I still don't know a lot of words.

چطور به این درسها پی بردی؟

A: How did you know about these lessons?

بهترین دوستم درباره اونها بهم گفت.

B: My best friend told me about them.

خب دوست من، هیچ وقت برای کلمات جدید خیلی دیر نیست.

بهترین چیز اینه که الان میتونی خیلی زیاد بفهمی و میتونی از خودت مراقبت کنی به جای اینکه کس دیگه ای ازت مراقبت کنه.

A: Well my friend, it's never too late to learn new words.

The best thing is that now you can understand a lot and you can take care of yourself instead of somebody else taking care of you.

درسته. اوکی، الان میخوام به کم تلویزیون تماشا کنم و به کم بیشتر انگلیسی یاد بگیرم.

B: That's right. Okay, now I want to go watch some TV and learn some more English.

مراقب خودت باش، ولی به چیزی یادت باشه وقتی تلویزیون تماشا میکنی یا به رادیو گوش میدی، فهمیدن همه چیز آسون نیست.

چیزی که لازم داری اینه که به گوش دادن عادت کنی. اولش خیلی سخت خواهد بود، ولی کم کم کارت رو عالی انجام میدی. میتونی درسهای پیشرفته رو بعداً از موسسه نصرت بخری.

A: Take care, but remember one thing when you start watching TV or listening to the radio, It's not easy to understand everything.

What you need to do is to get used to listening. First it'll be very difficult, but little by little you'll do great. You can buy the advanced lessons from Nosrat institute later.